

The Inevitability of the Parliament's Engagement with International Human Rights Law: Legislative Challenges and Parliamentary Opportunities

Gholamali Ghasemi

1. Full Professor of International Law, University of Qom, Qom, Iran , ghasemi@qom.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article Type: Research Article	In the past two decades, the position of human rights within the discourse of governance has evolved to the extent that it is now regarded as a source of legitimacy for any form of government, both domestically and internationally. This significance arises from the obligations of states to address the public concerns of their citizens. Nevertheless, all governments encounter conflict and friction with international human rights institutions concerning human rights issues. Focusing on the parliamentary sphere, this article addresses the question of what challenges the Islamic Consultative Assembly (Majles) faces regarding human rights (from the perspective of international human rights law) and what strategies it should adopt to overcome these challenges. Accordingly, through an analytical-descriptive method, the article explains the continuity of Iran's contractual (treaty-based) human rights obligations in the post-Islamic Revolution period and examines the place of "human rights" within the current Iranian legal order. From the viewpoint of this study, the "biased approach of international human rights organizations," the "substantive conflict between Iranian laws and the standards of international human rights law," and "the management of parliamentary governance" constitute three existing challenges stemming from different sources. Based on the findings of the article, utilizing fiqh-based capacities and continuous ijtihad to resolve existing conflicts, abandoning a passive stance and adopting a proactive approach, strategically employing the potential of parliamentary diplomacy and friendship groups centered on human rights issues, and maintaining firm adherence to principled matters in inter-parliamentary dialogue are among the key strategies available to the Islamic Consultative Assembly in this regard.
Article history: Received 2024/05/25 Accepted 2024/11/18	
Keywords: <i>International Human Rights Law, Constitution, Authoritative Fatwa, Parliamentary Diplomacy, Non-Governmental Organizations</i>	

Cite this article: Ghasemi, Gholamali (2025).The Inevitability of the Parliament's Engagement with International Human Rights Law: Legislative Challenges and Parliamentary Opportunities, *Religion and Law*, 47 (13), 41-72.



© Gholamali Ghasemi

Publisher: Islamic Research

Center of Parliament of I.R.IRAN.

<https://doi.org/10.225/qjrl.2025.363.1044>



گریز ناپذیری مجلس از حقوق بین الملل بشر: چالش های تقنینی و فرصت های پارلمانی

غلامعلی قاسمی

۱. استاد تمام حقوق بین الملل دانشگاه قم، قم، ایران، ghasemi@qom.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰	جایگاه حقوق بشر در مباحث حکمرانی در دو دهه اخیر به سمتی سوق پیدا کرده است که به عنوان منبعی مشروعیت بخش برای هر حاکمیت در ابعاد درونی و بین المللی به شمار می آید. این اهمیت، مولود التزامات دولت ها به تأمین دغدغه های عمومی شهروندان شان شناخته می شود. با این وجود، تمامی دولت ها در مسئله حقوق بشر با نهادهای بین المللی حقوق بشری دچار تعارض و اصطکاک می گردند. مقاله پیش رو با تمرکز بر حوزه پارلمانی به این سؤال می پردازد که مجلس شورای اسلامی در مباحث حقوق بشر (از منظر حقوق بین الملل بشر) با چه چالش هایی روبرو است و برای برون رفت از این چالش ها، چه راهبردهایی را باید اتخاذ کند؟ از این رو مقاله با روشی تحلیلی و توصیفی، ضمن تبیین استمرار تعهدات قراردادی (معاهداتی) حقوق بشری ایران در دوران پساانقلاب اسلامی، به جایگاه «حقوق بشر» در نظم حقوقی کنونی ایران پرداخته است. از منظر این مقاله، «موضع جانب دارانه سازمان های بین المللی حقوق بشری»، «تعارض ماهوی قوانین ایران با سنجه های حقوق بین الملل بشر» و «مدیریت حکمرانی پارلمانی»، سه چالش موجود در این زمینه با سه منشأ مختلف محسوب می شود. بر اساس یافته های مقاله پیش رو استفاده از ظرفیت های فقهی و اجتهاد مستمر در راستای حل تعارضات موجود، خروج از وضعیت منفعلانه و اتخاذ رویکرد فعالانه، بهره مندی هدفمند ظرفیت دیپلماسی پارلمانی و گروه های دوستی بر محور مسائل حقوق بشری و ایستادگی بر مسائل اصولی در گفت و گوی بین پارلمانی راهبردهایی است که پیش روی مجلس شورای اسلامی در این خصوص وجود دارد. واژگان کلیدی: حقوق بین الملل بشر، قانون اساسی، فتوای معیار، دیپلماسی پارلمانی، سازمان های غیردولتی

استناد: قاسمی، غلامعلی (۱۴۰۴). گریز ناپذیری مجلس از حقوق بین الملل بشر: چالش های تقنینی و فرصت های پارلمانی. دین و قانون، ۴۷ (۱۳)، ۷۲-۴۱.

ناشر: مرکز تحقیقات اسلامی مجلس ایران.

© نویسنده: غلامعلی قاسمی



<https://doi.org/10.225/qjrl.2025.363.1044>

مقدمه

احترام و تضمين حقوق بشر از عناصر اصلى حقوق بين الملل معاصر است؛ منشور ملل متحد در ماده ۱ بند ۳، «همكارى بين المللى در پيشبرد و تشويق احترام به حقوق بشر و آزادى هاى اساسى براى همگان بدون تمايز از حيث نژاد، جنس، زبان يا مذهب» را از اهداف سازمان ملل متحد بر مى شمارد. ماده ۱۳ بند ب منشور، انجام مطالعات و صدور توصيه راجع به «كمك به تحقق حقوق بشر و آزادى هاى اساسى براى همه بدون تبعيض از حيث نژاد، جنس، زبان و مذهب» را از صلاحيت و وظائف مجمع نام مى برد. ماده ۵۵ منشور ملل متحد با تأكيد بر حق تعيين سرنوشت ملت ها، «احترام جهانى و مؤثر حقوق بشر و آزادى هاى اساسى براى همه» را تشويق كرده است؛ و براى تضمين اجراى اين هدف در ماده ۵۶ كليه اعضاى ملل متحد را به اقدامات فردى يا دسته جمعى متعهد نموده است. علاوه بر مجمع عمومى، مطابق بند ۲ ماده ۶۲ منشور، شوراي اقتصادى اجتماعى نيز براى صدور توصيه به منظور تشويق احترام واقعى حقوق بشر و آزادى هاى اساسى صلاحيت دارد.

بر اساس اين رويکرد منشور، اعلاميه جهانى حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ توسط مجمع عمومى سازمان ملل متحد تصويب شد. اين اعلاميه اگر چه در يك قالب غيرالزام آور منتشر گرديد ولى اعتبار محتواى آن و رفتار دولت ها و نهادهائى بين المللى با اين سند، ارزش و جايگاه آن را آشكار ساخت به گونه اى كه شكل گيرى ده ها سند حقوق بشرى بعد از صدور اين اعلاميه، نشانه اى از اهميت موضوع حقوق بشر و اعلاميه مزبور در افكار عمومى جهانى تلقى شده است. (فلسفى، ۱۳۷۴، ص ۱۱۰) در ميان ده ها سند جهانى حقوق بشرى، ميثاق حقوق مدنى و سياسى ۱۹۶۶ و ميثاق حقوق اقتصادى، اجتماعى و فرهنگى ۱۹۶۶ دو معاهده جهانى هستند كه از حيث محتوى بسيارى از حقوق بنيادين و بشر را براى دولت هاى عضو تعيين كرده اند و هم از جنبه سازوكار نظارتى و اجرا، از نهاد نظارتى قراردادى مؤثر برخوردار هستند. اهميت اين دو ميثاق باعث شده كه اين مجموعه اين دو سند و اعلاميه جهانى حقوق بشر را برخى مؤلفان «منشور

بین‌المللی حقوق بشر» نامیده‌اند. (3: Roberts, 2015) دولت ایران، عضو دو میثاق جهانی حقوق بشری و از اعضای مؤسس سازمان ملل متحد و حاضر در شکل‌گیری منشور بوده است و به قطعنامه تصویب «اعلامیه جهانی حقوق بشر» رأی موافق داده است. با وقوع انقلاب اسلامی و تغییر نظام سیاسی در ایران، بیش از چهار دهه است که در زمینه اجرای تعهدات حقوق بشری با نهادهای بین‌المللی همچون شورای حقوق بشر (و پیش از آن کمیسیون حقوق بشر) و دیگر ارکان نظارتی بین‌المللی، نهادهای حاکمیتی از جمله مجلس شورای اسلامی شاهد چالش و مناقشه‌هایی بوده است و در قالب گزارش «گزارشگران ویژه یا موضوعی» و صدور «قطعنامه‌ها» و نظایر آنها، این کشمکش و اختلاف میان ساختارها و سازمان‌های ایرانی و نهادهای بین‌المللی حقوق بشری وجود دارد.

اکنون در پی این وضعیت، این پرسش وجود دارد که چه ظرفیت‌ها و فرصت‌های جدیدی برای اجرا و احترام به حقوق بشر در ایران با تمرکز بر نظم حقوقی وجود دارد و در این قلمرو، مجلس شورای اسلامی با چه چالش‌هایی روبروست؟ برای پاسخ به این سؤال، باید به ابهام دیگری پیش‌تر پاسخ داد که به‌طور کلی با توجه به تغییر اساسی در نظام سیاسی ایران از یک سو، و اصل دوام و استمرار حقوق و تکالیف دولت‌ها، راهبرد مجلس شورای اسلامی در قبال مسئله حقوق بشر چگونه باید باشد و چه راهکارهایی برای عبور از این وضعیت پیشنهاد می‌شود؟ برای این منظور در این مقاله نخست، موضع نظم حقوقی پساانقلاب اسلامی مردم ایران از منظر قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام اسلامی در قبال مسئله حقوق بشر تبیین شده است و به این موضوع که اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران در تعامل با مفاهیم و موضوعات حقوق بشر از چه رویکردی (تعارض کلی، تفاهم یا حفظ مشترکات، تعامل و همکاری) بهره برده، پرداخته شده است. در مرحله دوم، چالش‌های پیش‌رو که موجب تقابل و تنش میان ایران (با تمرکز بر مجلس شورای اسلامی) و نهادهای بین‌المللی حقوق بشری شده‌اند مطرح و در نهایت راهکارهایی برای عبور از این چالش‌ها و راهبردهای تقنینی پیشنهادی در زمینه حقوق بشر مبتنی بر نظم حقوقی ایران (به‌ویژه در چارچوب قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام اسلامی) ارائه گردیده است.

ترابط نظم حقوقی ایران و حقوق بشر

اصل دوم قانون اساسی، پایه های اعتقادی و ایمانی نظام جمهوری اسلامی را در بندهای پنج گانه ای متناظر با اصول اعتقادی اسلام یعنی توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت بیان کرده است، نقطه عطف و قابل توجه این است که در بند ۶ این اصل، در کنار اصول اعتقادی اسلام، از «کرامت و ارزش والای انسان» و آزادی توأم با مسئولیت او یاد کرده است. این ابتکار نشان می دهد «کرامت انسانی» که محور بنیادین مبانی و مفاهیم حقوق بشر است، به صورت بنیادی و اعتقادی در قانون اساسی طرح شده است؛ (عروتنی موفق، ۱۳۹۶، ص ۱۶۲-۱۶۵) و این در حد خود یک نوآوری در نظام سیاسی مبتنی بر مبانی و اصول اسلامی است که جایگاه انسان و کرامت او را تا این سطح ارتقا داده است. این ویژگی، از نقطه نظر تئوریک، نقطه تمایز قانون اساسی جمهوری اسلامی با سایر نظام هایی است که عنوان اسلامی را دارا هستند.

درج عبارت کرامت و ارزش والای انسانی در کنار اصول اعتقادی در قانون اساسی که مبتنی بر نظر صاحب نظران دارای مبنای دینی و فقهی است، (معرفت، ۱۳۸۶، ص ۲۴۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۹۶-۱۹۹) این پیام را دارد که جمهوری اسلامی ایران نظامی متفاوت از نظام های دینی در قرون گذشته (مانند قرون وسطی در اروپا یا حکومت های اسلامی قرون گذشته) و نظام های سیاسی مدعی وصف اسلامی کنونی است. در نتیجه علاوه بر اتکال به اصول اعتقادی دینی، به کرامت و ارزش والای انسانی نیز باور دارد و اعتلای این امر در دستور کار و اولویت خود قرار داده است. (تسخیری، ۱۴۳۳، ص ۸۵) با این بیان، احترام به حقوق بشر در جمهوری اسلامی پشتوانه اعتقادی و اسلامی نیز دارد.

در اصل سوم قانون اساسی، سیاست ها و برنامه هایی برای تحقق کرامت انسانی به عنوان یک بنیاد متعالی، مقرر شده است. این برنامه شامل «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی خویش؛ (بند ۸) رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی؛ (بند ۹) تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون؛ (بند ۷)

آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تعمیم آموزش عالی؛ (بند ۳) تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون. (بند ۱۵)

آنچه که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را از منظر مباحث حقوق بشری دارای برنامه‌ای فراتر از سیاست‌های اصل سوم به نمایش می‌گذارد، اصول و سیاست‌ها و مقرره‌هایی است که در فصل سوم قانون اساسی ذیل عنوان «حقوق ملت» مدنظر قرار داده است. اهمیت این فصل در آن است که راهکارهایی مهم برای تضمین حقوق مردمان ایران مبتنی بر بن‌مایه‌های دینی و هماهنگ با تعهدات بین‌المللی دولت ایران پیش‌بینی کرده است. این فصل شامل اصول ۱۹ تا ۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که مفاهیم اساسی حقوق بشر را طرح می‌نماید.^۱

اصول مندرج در فصل سوم، اصل دوم و سوم قانون اساسی، مبانی اسلامی نیز دارد؛ زیرا حاکمیت قوانین اسلامی یک اصل محوری و حاکم بر همه اصول قانون اساسی است. (اصل چهارم) این وضعیت به رویکرد اسلام به انسان و حقوق او بر می‌گردد. قرآن کریم، انسان را جانشین خدا معرفی کرده است، (بقره، ۳۰) بر کرامت او تصریح کرده است، (اسراء، ۷۰) قرآن در اصل، همه انسان‌ها را در گوهر انسانیت و فضیلت و ارزش و حیثیت ذاتی انسان یکی می‌داند و رنگ و نژاد و قومیت و ملیت را به‌عنوان وسیله تشخیص حساب می‌کند و نه امتیاز و برتری، (حجرات، ۱۳) آزادی بشر و احترام به حقوق و حیثیت ذاتی انسان و دخالت‌ندادن عوامل عارضی از قبیل نژاد، زبان، رنگ، ملیت و غیره در اعتبار و امتیاز برای انسان،

۱. برخی از اصول مندرج در فصل سوم بدین قرار است: حمایت یکسان آحاد مردم در برابر قوانین، (اصل ۲۰) حمایت از حقوق زنان به‌ویژه زنان باردار، سالخورده و بی سرپرست، (اصل ۲۱) مصونیت اشخاص در برابر تعرض، (اصل ۲۲) منع تفتیش عقاید و مجازات به واسطه عقیده، (اصل ۲۳) آزادی بیان و مطبوعات، (اصل ۲۴) مصونیت مکالمات و مکاتبات از تجسس، (اصل ۲۵) آزادی احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی، (اصل ۲۶) آزادی تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی، (اصل ۲۷) حق دادخواهی در محاکم، (اصل ۳۴) اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها، (اصل ۳۶) اصل برائت، (اصل ۳۷) منع شکنجه، (اصل ۳۸) منع سلب تابعیت اتباع ایران. (اصل ۴۱)

دقیقاً مورد توجه اسلام است؛ (علامه طباطبایی، ۱۳۹۳، ص ۳۲۶-۳۲۷) بنابراین، بین محتوای اصول حقوق بشری قانون اساسی و مبانی اسلامی، سازگاری و وفاق وجود دارد. در نتیجه اجرای این اصول علاوه بر تکلیف قانونی و تعهد اخلاقی، وظیفه شرعی و اسلامی نیز هست و مبنای بسیار مستحکم و مؤثری برای رعایت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید.

استمرار تعهدات قراردادی (معاهداتی) پیش از انقلاب

بر اساس حقوق بین‌الملل، تغییر نظام سیاسی، اصولاً و عموماً تغییری در تعهدات یک دولت نسبت به معاهدات ایجاد نمی‌کند. (O'Connell, 2015: 64-68) به بیان روشن‌تر دولت یا نظام سیاسی نوخاسته، به معاهداتی که در نظام سیاسی سابق تصویب شده‌اند، ملتزم و متعهد است. (Crawford & Brownlie, 2019: 423-425) عدم اثرگذاری جانشینی دولت‌ها و حکومت‌ها در معاهدات حقوق بشری، اهمیت ویژه و خاصی دارد. (قاری سید فاطمی، ۱۴۰۰، ص ۱۶۷-۱۶۸) در نتیجه با وقوع انقلاب اسلامی در تعهدات دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به معاهداتی که در زمان رژیم پهلوی مورد تصویب قوه مقننه قرار گرفته بود، خدشه‌ای وارد نشد. حقوق بین‌الملل در این شرایط به دولت‌ها اجازه می‌دهد که یا تعهدات قراردادی (معاهداتی) خود را ادامه دهند و یا اینکه از معاهده خارج شوند. نظام اسلامی پس از روی کار آمدن، با وجود میسر بودن خروج از معاهدات حقوق بشری که در زمان رژیم پهلوی به تصویب قوه مقننه رسیده بود و با وجود مغایرت با نظم حقوقی جدید منبث از شریعت، به دلایل مختلف از جمله آرمان‌های مندرج در قانون اساسی و نگاه سیاست‌گذار کلان به مسائل حقوق بشری، از این امکان استفاده نکرد و تعهدات قراردادی حقوق بشری خود را استمرار بخشید؛ (مهرپور، ۱۳۸۶، ص ۹۴-۹۵) موضوعی که ناشی از توجه سیاست‌گذاران کلان نظام اسلامی در استمرار حیات تعهدات حقوق بشری به شمار می‌آید.

تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حقوق بشر به طور عمده در قالب معاهدات بین‌المللی منعکس شده است؛ هرچند که بسیاری از مقررات حقوق بشری، جنبه قاعده عرفی نیز پیدا کرده است. (Smith, 2022: 4) در این میان آنچه که نیازمند توجه خاص هست این نکته است که قوه مقننه ایران، اکثریت معاهدات مادر در حوزه حقوق بین‌الملل بشر را به تصویب رسانیده است. این معاهدات عبارت‌اند از: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض نژادی، کنوانسیون حقوق کودک (تصویب با اعمال حق شرط) و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (تصویب همراه با حق شرط). این در حالی است که هنوز به کنوانسیون منع شکنجه، کنوانسیون حمایت از حقوق کارگران مهاجر، کنوانسیون منع همه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدید شدن اجباری ملحق نشده است.^۱ با این حال، عضویت ایران در کنوانسیون‌های محوری یادشده، بخش مهمی از تعهدات بین‌المللی حقوق بشری را در نظام حقوقی ایران وارد کرده است و در منظومه تعهدات بین‌المللی حقوق بشری ایران به شمار می‌آید.

این اسناد دارای نهادها و کمیته‌های نظارتی فعالی هستند که به ارکان معاهده‌ای شهرت دارند. جمهوری اسلامی ایران همانند سایر اعضا متعهد به ارائه گزارش دوره‌ای و پاسخگویی به این کمیته‌ها هست^۲ و مبتنی بر آن‌ها نهادهایی را در داخل تأسیس کرده است؛ همانند، مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک در وزارت دادگستری تا اینکه ضمن پایش اجرای تعهدات ایران، گزارش‌های دوره‌ای خود را برای نهاد ناظر ارسال کند. (شعبان، ۱۴۰۰، ص ۱۴۷-۱۴۹) این نوع نظارت،

۱. برای آگاهی از امضا و تصویب معاهدات حقوق بشری توسط ایران و سایر کشورها رجوع کنید به نشانی زیر:

[/https://indicators.ohchr.org](https://indicators.ohchr.org)

۲. برای آگاهی از مواضع و گزارش‌های کمیته‌های نظارتی معاهدات حقوق بشری ر. ک به: [https://huhri.ohchr.org/en/search.human rights- recommendations](https://huhri.ohchr.org/en/search.human%20rights-recommendations)

سازوکار قراردادی است که بر اساس معاهدات بین‌المللی ایجاد می‌شود. جنبه الزامی آن‌ها در متن معاهده پیش‌بینی شده یا اینکه از طریق صدور اعلامیه‌ای تعهد خود را نسبت به اجرای این سازوکار ابراز می‌نمایند؛ (Mechlem, 2009: 926) در این حالت این سازوکار جنبه اختیاری دارد و به‌صورت ضمیمه معاهده تنظیم می‌شود. سازوکار قراردادی نظارت شامل گزارش‌های ادواری و آئین شکایت و دادخواهی است. جمهوری اسلامی ایران، به دلیل عضویت در هر دو میثاق ۱۹۶۶، تحت نظارت الزامی کمیته حقوق بشر و کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی قرار دارد.

نوع دوم نظارت در زمینه حقوق بشر، نظارت غیرقراردادی است؛ آئین‌های غیرقراردادی، سازوکارهایی است که نه از سوی معاهدات حقوق بشری بلکه ناشی از اختیارات و تصمیم‌های ارکان ملل متحد همچون شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (اکسوک) یا شورای حقوق بشر هستند. در این دسته از نظارت‌ها، شورای حقوق بشر نقش اصلی را دارد و از گروه‌های کاری یا کارشناسی مستقل استفاده می‌کند. (Savaresi, 2023: 397-398) تعیین گزارشگران ویژه کشورها یا گزارشگر موضوعی از ابزار معمول این شورا است. به‌طور طبیعی ایران تحت نظارت این سازوکار غیرقراردادی نیز هست و طی چند دهه وضعیت حقوق بشر در ایران در دستور کار نهادهای نظارتی ملل متحد شامل شورای حقوق بشر و قبل از آن، کمیسیون حقوق بشر قرار دارد و از طریق صدور قطعنامه و تعیین گزارشگر ویژه، تصمیماتی در این خصوص اتخاذ کرده‌اند که بخشی از تعهدات ایجاد شده برای جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود. (فضانلی و احسن‌نژاد، ۱۳۹۸، ص ۶۱۹) بر این نظارت‌ها، قطعنامه‌های مجمع عمومی و کمیته سوم آن را نیز باید اضافه کرد؛ اگر چه ماهیت قطعنامه‌های یادشده، الزام‌آور نیست ولی فشار اخلاقی و سیاسی به دنبال دارد.

۱. برای آگاهی از وضعیت گزارشگران ویژه ایران ر. ک.

<https://ohchr.org/en/special-procedures/sr-iran>

چالش‌های تقنینی

برای درک درست از نحوه مواجهه با مسائل حقوق بشری توسط قوه مقننه، ضروری است که به منشأ ایجاد چالش و چستی گونه‌های تنش‌زای حقوق بشری در ساحت پارلمان پرداخت. از این‌رو در این قسمت، به سه موضوع با منشأهای مختلف که در طول حیات مجلس شورای اسلامی همواره اثرگذار بوده، توجه شده است. این سه موضوع عبارت‌اند از «سوء عملکرد نهادهای بین‌المللی و دولت‌های غرب سیاسی»، «وجود تعارض میان قوانین مصوب مجلس و هنجارهای حقوق بین‌الملل بشر» و «سوق یافتن حکمرانی پارلمانی به راهکارهای غیرحقوقی».

تمرکز جانب‌دارانه سازمان‌های بین‌المللی علیه قوانین ایران

آغاز موضع‌گیری صدور قطعنامه‌های ناظر به وضعیت حقوق بشر در ایران در سال ۱۹۸۲ میلادی، در شرایطی صورت پذیرفت که مردم و دولت ایران قربانی تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق بودند؛ بدون اینکه هیچ نهاد بین‌المللی حاضر به محکومیت این تجاوز باشد یا حداقل اعلام نماید که جنگ تجاوزکارانه‌ای در جریان است (علی‌اکبری مارانتو، ۱۳۹۹، ص ۱۴۸-۱۵۳). مضاف بر این، بمباران مناطق غیرنظامی، استفاده از سلاح شیمیایی علیه نیروهای ایرانی و نقض قوانین بشردوستانه حاکم بر زمان جنگ، با اغماض و چشم‌پوشی این نهادها مواجه بود. شورای امنیت ملل متحد در توصیف حمله نظامی عراق به ایران، از واژه وضعیت^۱ استفاده می‌کند تا اینکه در سال‌های آخر جنگ تحت‌فشار نیروهای نظامی ایران، از «نقض صلح» برای توصیف وضعیت جنگ بهره می‌گیرد. (ممتاز و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۷۵)

طبیعی است که با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری نظم سیاسی جدید و محوریت قوانین اسلامی در اداره جامعه، تعارض بین این قوانین و موازین حقوق بشری مندرج در این معاهدات و اسناد بین‌المللی بروز پیدا کرد. نتیجه این وضعیت از دهه ۸۰ میلادی تا کنون این بود که طیف متنوع و زیادی از

1 . situation

گزارش‌ها و قطعنامه‌ها در محکومیت وضعیت حقوق بشر در ایران خودنمایی کرده است. این روند منجر شد تا مسئولان ایرانی احساس کنند که با یک اقدام حساب‌شده و تبعیض‌آمیز روبرو هستند؛ این در حالی بود که عملکرد مثبت ایران در حوزه‌های مختلف کمتر در مرکز توجه آن‌ها قرار می‌گرفت به‌ویژه در حوزه‌هایی نظیر ارتقای آموزش عمومی و دانشگاهی، تعمیم بهداشت و ریشه‌کنی بیماری‌های واگیر، گسترش تأمین اجتماعی و انواع بیمه‌ها، پذیرش و اسکان میلیون‌ها آواره و پناهنده کشورهای همسایه در ایران، توزیع کمک‌های بشردوستانه در بلاهای طبیعی و جنگ‌های کشورهای مختلف، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان و به‌ویژه مبارزه پرهزینه با تروریسم تکفیری در حالی که خود قربانی تروریسم هست. (Kokabisaghi, 2019: 504; Kiani, 2021: 31-32) این موضوع باعث بی‌اعتمادی به مواضع این سازمان‌ها و در نهایت بدبینی و عدم استقبال از گفتمان حقوق بشری آنان شده است؛ تا جایی که به‌خاطر این رخدادها، گفتمان و جریان حقوق بین‌الملل بشر را یک نوع دستاورد غرب اندیشگی و بازیچه غرب سیاسی تلقی می‌نمایند؛ امری که با توجه به واقعیات پیرامون موضوع و نکاتی که اشاره شد تا حد زیادی قابل‌درک و فهم است.

آنچه در این مقاله حائز اهمیت است که همین رویکرد در عملکرد شورای حقوق بشر نیز تجلی‌یافته است. این شورا با عبور از نقاط قوت عملکرد ارکان حاکمیتی ایران در حوزه حقوق بشر، قریب به دو دهه است که بخشی از تمرکز خود را بر مصوبات مجلس شورای اسلامی گذاشته است. شورا در قابل گزارشگران ویژه و نظارت دوره‌ای جهانی، همواره سهم قابل‌توجهی از التفات خود را بر قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی می‌گذارد. در طول پنج سال اخیر شورا از این حوزه فزاینده‌تر رفته است و کنشگری‌های نمایندگان مجلس را نیز رصد و نسبت به آن‌ها موضع می‌گیرد. (Human Right Council, 2019: para. 8) به بیان روشن‌تر شورا صرفاً قوانین موضوعه را پایش نمی‌کند و بلکه موضع نمایندگان مردم را نیز مدنظر قرار می‌دهد. در سال‌های ۲۰۲۳ الی ۲۰۲۵ شورا با تشکیل کمیته حقیقت‌یاب، مجلس ایران را به دلیل تصویب «قانون» مرتبط

باحجاب تحت شدیدترین فشارهای بین‌المللی قرارداد و در سطحی بدون سابقه، عنوان «جنایت علیه بشریت» را به مقامات ایرانی منسوب ساخت؛ (Human Right Council, 2025: paras. 11 & 44) عنوانی که از منظر حقوقی راه را برای سوءاستفاده در مجامع بین‌المللی و نظام قضایی دولت‌های بیگانه باز می‌کند؛ با این بیان که با «جنایت» بین‌المللی شمردن یک اقدام، محاکم بین‌المللی و دادگاه‌های داخلی دولت‌های بیگانه امکان رسیدگی به آن جنایت را خواهند یافت و نیازی ندارد که بزهدکار یا بزه‌دیده تابعیت دولت بیگانه را داشته باشد و اهمیتی ندارد که جنایت در خاک کدام کشور محقق شده باشد. (Bassiouni, 2011: 19-22) در نتیجه اقدام یادشده، شورای حقوق بشر با به‌کار بستن کمیته حقیقت‌یاب، از مجرای انتقاد علیه یک «اقدام تقنینی»، مسیر خدشه‌دار کردن استقلال قضایی و سیاسی و نقض اصل مصونیت بین‌المللی را فراهم ساخت.

فشار حقوق بشری از مجرای انتقادات علیه مصوبات مجلس توسط دولت‌های غربی نیز صورت می‌پذیرد؛ با این تفاوت که مقابله دولت‌های غربی علیه مصوبات مجلس شورای اسلامی عموماً با استفاده از نیروی جایگزین و نیابتی انجام می‌گیرد. نیروهای نیابتی دولت‌های غربی در مسائل حقوق بشری، سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری هستند. این سازمان‌ها که عمدتاً در دولت‌های اروپایی و ایالات متحده آمریکا مستقر هستند و از لحاظ بودجه، وابستگی به این دولت‌ها دارند، (Simmons, 2008: 139; Dixon & Corquodale, 2003: 231) همواره بخشی از اقدامات خود را متمرکز بر قوانین موضوعه ایران می‌کنند. به‌عنوان مثال با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تمرکزی بر مغایرت‌های حقوق بشری این قانون صورت پذیرفت و این کار با هدایت کلی دولت‌های غربی اما از طریق سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری به سرانجام رسید. یکی از این کشمکری‌های ناظر به قوانین، صدور کتابچه «مدون سازی سرکوب» توسط سازمان غیردولتی «دیده‌بان حقوق بشر» در خصوص موارد نقض حقوق بشر غربی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به شمار می‌آید؛ (Human Rights Watch, 2012: pp. 9-10) این کتابچه دارای مفادی است که تا زمان‌نگارش

این مقاله و با وجود گذشت سال ها از زمان تصویب قانون یادشده، در مجامع بین المللی حقوق بشری توسط این سازمان و دیگر سازمان های حقوق بشری غیردولتی مطرح می شود.

این گونه عملکرد دولت های غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا، کانادا و دولت های اروپای غربی در قبال مسائل انسانی مربوط به ایران، زمینه های منفی و خاطرات تلخی برای طرف ایرانی ایجاد کرده است به گونه ای که پذیرش مواضع حقوق بشری این کشورها را نسبت به ایران، به عنوان یک موضع اخلاقی و قانونی بی طرفانه غیرقابل باور نموده است. حمایت این دولت ها از گروه های تروریستی همچون منافقین که مرتکب قتل چندین هزار نفر از مردم بی گناه در ایران شده اند، (نیرنجی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۷۱۶) نقص اصل بی طرفی و تمهید انواع حمایت نظامی، مالی، اطلاعاتی و تسلیحاتی از رژیم بعث، سرنگونی هواپیمای غیرنظامی ایرباس، (International Court of Justice, 1989) ترور دانشمندان ایرانی، تحریم مواد بهداشتی و دارویی، (Gordon, 2013: 7-8) مانع تراشی های اقتصادی و نظایر این اقدامات، سوءنیت این دولت ها در استفاده از عناوین حقوق بشری را بیشتر هویدا ساخت. این دولت ها از یک طرف، بانیان قطعنامه های محکومیت ایران در زمینه حقوق بشر هستند و از سوی دیگر؛ عملکرد آنها در قبال ایران، پر از اقدامات تبعیض آمیز و مواضع جانب دارانه است به گونه ای که دولت و مسئولان ایرانی را به سمت بی اعتمادی کلی به جریان حقوق بشری که حامیان آن، دولت های اروپایی و امریکا هستند سوق داده است. این سوء عملکرد عملاً بدبینی کاملی را در جریان سیاست گذار و قانون گذار ایرانی به همراه آورده است.

تعارض قوانین ایران با سنجه های حقوق بشری

چالش دیگر مجلس شورای اسلامی در مواجهه با حقوق بین الملل بشر، مسئله تعارض میان قوانین ایران با سنجه های حقوق بشری است. این مشکل، منشأ خارجی ندارد و به بیان روشن تر حل آن نیازمند راهکار و عزم داخلی است. دو چالش این تعارض را به نظام سیاسی ایران در زمینه حقوق بشر مرتبط می سازد: چالش ناشی از تعارض مفاد قوانین ایران و محتوای اسناد حقوق بشری و چالش

ناشی از رویکرد مجلس شورای اسلامی در خصوص نحوه مدیریت این مسئله است.

حقوق بشر معاصر و آنچه اسناد بین‌المللی آن از اصول و مقررات منعکس شده است، مبتنی بر یک دیدگاه اومانیزستی بدون اتکا بر پایه‌های ایمانی و معنوی است. (میر موسوی و حقیقت، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸-۱۱۰) در نتیجه حقوق بین‌الملل بشر رابطه معناداری با ادیان و مذاهب به‌ویژه از نوع توحیدی و اسلامی ندارد. این در حالی است که نظم حقوقی ایران مبتنی بر اصل چهارم قانون اساسی، ابتناء قوانین و مقررات کشور را بر پایه قوانین اسلامی تصریح کرده است که شاکله اصلی نظام سیاسی جدید در ایران را تشکیل می‌دهد. (سلیمانی، ۱۴۰۰، ص ۵۴-۵۷) در این چارچوب، وجود تعارض بین قوانین موضوعه و موازین حقوق بشری منتفی نیست و بلکه به یک مسئله مهم در روابط بین جمهوری اسلامی ایران و نهادهای بین‌المللی حقوق بشری تبدیل شده است.

ذکر این نکته ضروری است که مطالعات صاحب‌نظران فقه و فلسفه اسلامی میزان قابل‌توجهی از تفاهم و اشتراک در قوانین و مقررات میان دیدگاه اسلامی و حقوق بشر معاصر را به نمایش گذاشته است؛ برای نمونه استاد فقید علامه محمدتقی جعفری در گفتگو با یکی از محققان سوئدی چنین اظهار داشته‌اند: «توافق حقوق بشر از دیدگاه اسلام با حقوق بشر از دیدگاه غرب شاید بیش از هشتاد درصد باشد. با اینکه خاستگاه این دو سیستم حقوقی از دو اقلیم و از دو نقطه دنیاست که دارای عناصر فرهنگی متنوع هستند، این اتحاد بسیار قابل توجه است.» (جعفری، ۱۳۷۵، ص ۳۹۱)

آنچه بسیار مهم است، این نکته هست که تعارض میان حقوق بشر و حقوق اسلامی را می‌توان در مصادیق قابل احصایی برشمرد؛ به بیان روشن‌تر مصادیقی که منجر به تعارض میان قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و حقوق بین‌الملل بشر شده است، فهرست بی‌انتهایی نیست که نتوان در خصوص آن‌ها چاره‌اندیشی کرد. برخی از مهم‌ترین این مصادیق عبارت‌اند از نقض حقوق بشر زنان به‌ویژه وجود تفاوت بین حقوق مرد و زن و فقدان تساوی مطلق (مندرج در

اسناد و معاهدات حقوق بشری)، حق بر آزادی تغییر دین و وجود حکم ارتداد در فقه اسلامی، حق بر آزادی‌های جمعی و مذهبی پیروان برخی فرقه‌ها و گروه‌ها که در دسته‌بندی اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار نمی‌گیرند. (9: Fact-Find Report, 2023) در خصوص هر کدام از مسائل مورد اشاره تحقیقات علمی، تحلیلی و تبیینی زیادی انجام شده است که ظرفیت این تحقیق اجازه ورود به آن را نمی‌دهد ولی نظر نگارنده به‌طور کلی در این بخش عبارت است از اجرای کامل و رعایت مقررات حقوق بشری که با مبانی اسلامی و حقوق موضوعه ایران تعارضی ندارد؛ بدین ترتیب تأکید بر مشترکات بین حقوق بین‌الملل بشر و قوانین داخلی ایران و برنامه‌ریزی جدی برای اجرای این مقررات مشترک راه را برای مدیریت و حل و فصل موارد تعارض تسهیل می‌نماید.

علاوه بر این ذکر این نکته ضروری است که مصادیق تعارض بین قوانین ایران و موازین بین‌المللی حقوق بشر خود از یک طیف واحد نیستند؛ برخی از این مصادیق جنبه بنیادین از جهت معارف و اصول اساسی اعتقادی اسلامی ندارند و در دسته احکام فرعی فقهی قرار می‌گیرند و می‌تواند از طریق سازوکار اجتهاد مستمر فقها و یا اختیارات حاکم اسلامی در صدور احکام حکومتی ناظر به حوزه مصلحت و ضرورت قابل حل باشد؛ موضوعی که مکرراً در نظام تقنینی ایران تجربه‌شده است. با این بیان که برخی تعارضات میان قوانین با حقوق بین‌الملل بشر مبتنی بر ظرفیت‌های فقهی موجود در تراث اسلامی تا کنون رفع گردیده و این رفع تعارض مرهون برداشت‌های جدید فقها مبتنی بر منابع اصیل بوده است. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۹، صص. ۳۱-۳۳) تقنین در خصوص تساوی زن و مرد در بهره‌مندی از ارث عرصه و اعیان، تقنین در خصوص پرداخت برابر دیه غیرمسلمان با مسلمان، تقنین در خصوص پرداخت دیه مساوی زن و مرد مسلمان، تقنین در خصوص افزایش سن مسئولیت کیفری (در قانون مجازات ۱۳۹۲) و تمهید تبعیض مثبت نسبت به زنان (قانون حمایت از خانواده و تعالی جمعیت) از مصادیقی است که با همین سیاق منجر به تأمین سنجه‌های حقوق بین‌الملل بشر در حوزه

حقوق زنان و حقوق اقلیت‌ها شده است. راجع به این دسته باید طرح مسئله در نهادهای علمی سیاست‌گذاری در داخل و اطلاع‌رسانی موارد حل و فصل شده به مراجع ذی‌ربط بین‌المللی ارائه شود و در گفتگو با طرف‌های خارجی اعم از نمایندگان دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی رویکرد مثبت کشور تبیین شود.

در مصادیق کم باقی‌مانده که تعارض جدی با مبانی اسلامی و قوانین کشور دارد، ضمن گفتگو در چارچوب معارف اسلامی و موازین قانونی کشور، می‌بایست در فضا و ظرفیت حقوق بین‌الملل عناوین حقوقی همانند استناد به نظم عمومی و اخلاق حسنه، پاسخ نهادهای حقوق بشری را داد و در عین حال امکان استقامت بر موضع کشور در این نوع مسائل وجود دارد. در همین حوزه، امکان توجه به ظرفیت‌های جمعی نیز وجود دارد زیرا که ایران با بسیاری از دولت‌ها، در مصادیقی که با حقوق بین‌الملل بشر مغایرت دارد، دارای اشتراک گفتمان است؛ همانند مقاومت ایران بر جرم‌انگاری اهانت به مقدسات و منع همجنس‌بازی.

چالش‌های حوزه حکمرانی پارلمانی

نگرانی و بدبینی ناشی از عملکرد سیاسی دولت‌های مدعی حمایت از حقوق بشر و تا حدودی سازمان‌های بین‌المللی موجب شده است تا رویکرد و نگاه دولت ایران نیز به مسئله حقوق بشر توأم با تردید و بی‌اعتمادی باشد؛ اگر چه نهادهای رسمی دولتی ایران مانند: وزارت امور خارجه و قوه قضائیه در حال تعامل و همکاری با نهادهای بین‌المللی حقوق بشری هستند. این رویکرد می‌تواند در عمل منجر به بروز اشکال در اجرای تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی ناشی از عضویت در معاهدات بین‌المللی حقوق بشری گردد و از سوی دیگر اصول قانون اساسی همچون اصول فصل سوم تحت نام «حقوق ملت» که بیانگر سیاست‌های بنیادی ایران در زمینه حمایت از حقوق بشر است ممکن است به تدریج دچار کم‌توجهی شوند.

همان‌گونه که پیش‌از این اشاره شد، رفتار سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای غربی به‌ویژه در حوزه حقوق بشر در کشورهای مختلف تبعیض‌آمیز و دوگانه است؛ (Hannum, 2021: 15) این رفتار نه تنها با ایران بلکه به یک سیاست

متعارف تبدیل شده است که نوع برخورد این کشور با وضعیت رعایت حقوق بشر در کشورها به نوع وابستگی سیاسی کشورها و میزان استقلال و مواضع سیاسی آنها نیز وابسته است. بارزترین نمونه این رویه، حمایت نامحدود دولت آمریکا از نقض بی حد و حصر حقوق بشر و حقوق بشردوستانه توسط رژیم صهیونی در جریان جنگ غزه در سال های ۲۰۲۳ میلادی به بعد است. (Goldenziel et al., 2025: 11) آنچه باید محل تمرکز قرار گیرد این است که رویکرد غربی نباید به اهمال در اجرای تعهدات بین المللی حقوق بشری منجر شود به ویژه در اکثریت قواعد حقوق بشری که با موازین اسلامی نیز سازگاری دارد. اجرای مناسب و شایسته این تعهدات به ویژه آنچه که در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است، به کارآمدی عملکرد دستگاه های اجرایی کشور و تقویت اعتماد عمومی به آنها و در نهایت رضایتمندی مردم خواهد شد.

سیاست گذار و قانون گذار باید موضوع حقوق بشر را به عنوان یکی از اولویت های خود همواره اعلام کند زیرا در حال حاضر اقدامات زیادی در جهت اجرای تعهدات بین المللی و نیز اجرای اصول قانون اساسی در سطوح مختلف انجام شده است که روی گردانی سیاست گذار و قانون گذار از تصریح به این موضوع، تصویری خلاف عملکرد آن را به نمایش خواهد گذاشت. برای نمونه در سیاست های کلی برنامه های توسعه ۵ ساله، مصوبات شورای عالی مانند: شورای عالی اداری، ابلاغ های ریاست جمهوری و دیگر نهادها، حقوق شهروندی مبنی بر فصل سوم قانون اساسی که بازنمایی از همان قواعد حقوق بشر است، مورد اهتمام و صدور ابلاغیه هایی شده است. در این میان، تصویب منشور حقوق شهروندی در مجموعه قوه مجریه^۱ و چشم انداز حقوق بشر در ستاد حقوق بشر قوه قضائیه^۲ را می توان دستاورد بزرگ هنجارسازی برشمرد.

۱. منشور حقوق شهروندی در قالب ۱۲۰ ماده (متن) و ۱۲۰ ارجاع به مستندات قانونی به شکل مواد قانونی تنظیم و از سوی رئیس جمهور وقت در دولت دوازدهم ابلاغ شد. برای ملاحظه آن ر. ک به: <https://president.ir/fa/96859>

۲. برای ملاحظه سند چشم انداز قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۱-۱۴۰۵) ر. ک. به: <https://humanrights.eadl.ir/Portals/humanrights/AdminFiles/html1400/>

مجلس شورای اسلامی نیز در این میان دستاوردهای حقوق بشری قابل توجهی را در نظم حقوقی ایران ایجاد و تثبیت کرد. تصویب قانون حمایت از حقوق معلولان در حوزه حقوق معلولان، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در حوزه حقوق کودکان، قانون حمایت از خانواده و تعالی جمعیت در حوزه حقوق زنان را می‌توان اقدامات اساسی در کارنامه قوه مقننه برشمرد. علاوه بر این اقدامات جزئی فراوانی همانند: توجه به اولویت‌های زیست‌محیطی (حقوق محیط‌زیست)، تشکیل سازمان مهاجرت (حقوق مهاجران و پناهندگان)، ارتقای نظام آموزش رایگان (حق بر آموزش)، ساماندهی حق بر تجمعات و احیای اصول مغفول‌مانده از قانون اساسی را نیز در این حوزه افزود.

راهبردهای پارلمانی

حل چالش‌های تشریح شده در این نوشتار، نیازمند به راهبردهایی چندسطحی است. سطح نخست از راهبردها در فضایی مافوق از اراده یک قوه و در ساحت حاکمیتی باید صورت پذیرد. در این سطح ضروری است که برنامه جامع «حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران» متکی بر اصول قانون اساسی، دیدگاه اسلامی مندرج در اعلامیه اسلامی قاهره و مقررات موردقبول نظم حقوقی ایران به‌ویژه در حوزه‌های فاقد تعارض با مقررات بین‌المللی تدوین شود. در برهه‌ای «لایحه ایجاد نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی» در همین راستا در مجلس اعلام وصول شد. این نهاد قرار بود که نماد اهتمام حاکمیتی و فراقوه‌ای نظام جمهوری اسلامی ایران به مسائل حقوق بشری را به نمایش گذارد. (طلاکی و عطار، ۱۳۹۶، ص ۲۷) با به نتیجه نرسیدن این لایحه، باید برنامه یادشده توسط سطوح عالی نظام اتخاذ گردد. این برنامه باید در عالی‌ترین سطوح و شوراها قانونی کشور تدوین و تصویب شود و ویژگی اصلی آن «بومی بودن برنامه» اعم از محتوی و نام و عنوان آن باشد و به‌گونه‌ای که بر اعتقاد راسخ نظام اسلامی به موازین انسانی و اسلامی مورد اتفاق و تأیید خود نشان دهد. اجرای این چنین برنامه‌ای توسط قوای مختلف کشور و آموزش عمومی آن، در گام نخست موجب تقویت قانون‌گرایی،

سلامت نظام اداری، امیدواری و افزایش اعتماد شهروندان خواهد بود و رویکردی بر اساس انتخاب ارکان نظام و نه فشارهای خارجی و بین المللی را به نمایش می گذارد.

پس از این نوبت به تنظیم برنامه اجرایی و اهتمام جدی قوای سه گانه برای اجرای مشترکات اصول و موازین حقوق بشری می رسد که ضمن عدم تعارض با موازین اسلامی، سازگار با اسناد حقوق بشری است. این سیاست به تحقق اصول حقوق بشری فصل سوم قانون اساسی کمک می کند و مبتنی بر تجربیات دیگر کشورها، گونه ای از خوشایندی و رضایتمندی را در عموم مردم به همراه می آورد. این اقدام ضمن آنکه زمینه گفتگو در موارد تعارض جدی و اعتنای به مواضع بنیادین جمهوری اسلامی را نزد نهادهای بین المللی فراهم می کند، در موارد معارضت میان نظم حقوقی ایران و موازین حقوق بین الملل بشر، قدرت استدلالی ایران در حمایت از حقوق بشر مبتنی بر شریعت را تقویت می سازد.

سطح دیگر از راهبردها، در داخل قوه مقننه باید اتخاذ شود. در مواردی که اصول و قواعد بین المللی حقوق بشر با محتوای قوانین ملی کشور، به ویژه از حیث اسلامی بودن قوانین ایران، تعارض دارد، راهکارهای مختلف باید اتخاذ شود. ظرفیت های گسترده نظم حقوقی ایران پساانقلاب در انتخاب فتوای راهگشا و مسائل نظری مربوط به «فتوای معیار» همواره نظام قانون گذاری جمهوری اسلامی ایران را در این خصوص مدد رسانیده است. (رجایی و ارسطا، ۱۴۰۰، ص ۴۴) رویکرد ایران در این موارد همواره بر رفع تعارض مبتنی بر ظرفیت های فقهی و اجتهاد مستمر بوده است. در مواردی که امکان رفع تعارض وجود ندارد باید با گریز از چالش آفرینی، بر سیاست تبیین و روشنگری و گفتگو با نهادهای بین المللی از جمله در قالب نشست ها و کارگاه های علمی تأکید شود؛ این رویکرد منجر به آشنایی نهادهای بین المللی حقوق بشری با اولویت ها و حساسیت های قوانین و نهادهای قانونی جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر می گردد. هرچند که ممکن است از طریق سازوکارهای حقوقی موجود در قانون اساسی مانند: مجمع تشخیص مصلحت نظام و اختیارات مقام رهبری در برخی احکام

حقوقی و موضوع‌های حقوق بشری نیز زمینه تغییرات و نوآوری فراهم باشد. در خصوص رفتار طرف‌های خارجی و سیاسی کردن حقوق بشر نسبت به جمهوری اسلامی ایران نیز در عین تأکید بر مواضع اصولی و مقابله با مداخله خارجی در امور داخلی کشور، باید از همه ظرفیت‌های سیاسی و حقوقی و اقتصادی خود برای متوقف کردن این روند تبعیض‌آمیز و سیاسی‌کاری بهره برد. در این راستا استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد برای طرح مباحث تبعیض‌آمیز یادشده در اجلاس‌ها و گفتگوهای بین‌المللی موضوع مهم و مغفولی است. این روند با کندی در تعامل سازمان‌های مردم‌نهاد با سازمان‌های غیردولتی همانند: «کمیسون حقوق بشر اسلامی» و «انجمن دفاع از قربانیان ترور» که دارای مقام مشورتی در شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (اکوسوک) است، در حال اجراست و باید این‌گونه ترتیبات تقویت و تمشیت شود.

آنچه که بسیار برای مجلس شورای اسلامی میسر است، استفاده از ظرفیت دیپلماسی پارلمانی برای خروج از وضعیت منفعلانه به رویکرد فعال است. حضور نمایندگان ایران در اتحادیه‌های بین‌المجالس و گروه‌های دوستی، ظرفیت مستمری برای طرح مباحث حقوق بشر مطالبه‌گرانه را فراهم می‌سازد. پارلمان اروپایی همواره کوشیده است یکی از دغدغه‌های خود را حقوق بشر اعلام کند و در این خصوص، حتی اقدام به اعطای جوایز بین‌المللی حقوق بشری می‌کند. (Saliu, 2021: 197) مجالس دولت‌های اسلامی از این رویکرد، بی‌بهره‌اند. از این‌رو مجلس شورای اسلامی باید علاوه بر برگزاری نشست‌های بین‌المللی با مشارکت مجالس دارای دغدغه مشترک و نهادهای علمی آن‌ها (به‌ویژه دانشگاه‌های خارجی) در راستای تبیین دستاوردهای نظام اسلامی در حوزه حقوق بشر و مطالبات آن در این حوزه قدم بردارد؛ در موضوعاتی همانند: مبارزه با قاچاق انسان و مواد مخدر، پذیرش آوارگان و پناهندگان خارجی و خدمات به آنان، گسترش و تعمیم آموزش عمومی و آموزش عالی، امکان در پیش روی پارلمان‌هاست که با چنین سهولت و اثرگذاری در دسترس دیگر نهادهای حاکمیتی نیست.

آنچه در این خصوص باید توجه داشت، این است که حقوق بین الملل بشر همواره فشار خارجی به شمار نمی آید بلکه نهادهای بین المللی با اثرگذاری بر رسانه های داخلی، همواره امواج حقوق بشری متفاوتی را در داخل کشور و در میان شهروندان ایرانی به همراه می آورند. از این رو التفات قانون گذار به مفاهیم و سنجه های حقوق بشری در بسیاری از موارد، مبتنی بر مطالبه داخلی با منشأ خارجی است. این موضوع سبب شده است تا به صورت هم زمان مجلس شورای اسلامی و نهادهای بین المللی حقوق بشری با دقت به عملکرد و کنشگری های یکدیگر توجه کنند.

به نظر می رسد ایران در حوزه تولید ادبیات و گفتمان حقوق بشری می تواند بار بسیاری از تعارض های حقوق بشری را به تنهایی بر دوش نکشد و در این حوزه از ظرفیت همگرایی حقوقی میان دولت های اسلامی و آسیایی و یا دولت های همسو استفاده برد؛ (مجیدی و خادمی، ۱۴۰۳، ص ۲۲۵) ظرفیتی که منجر به ایجاد جبهه هنجارساز در مقابل هنجارسازی حقوق بشر غربی به وجود آورد. اعلام مواضع به حق برای وصول به نتیجه در مجامع داخلی و بین المللی نیازمند اقدام جمعی است و ایران می تواند با استفاده از تجربیات خود در ایجاد اتحادیه بین المجالس آسیایی و اسلامی و همچنین اقدامات هنجارساز خود در سازمان همکاری های اسلامی، این حلقه مفقوده را با محوریت مجلس شورای اسلامی در حوزه حقوق بشر آغاز کند. این گونه از اقدامات به دلیل ایجاد تقارب و همگرایی حقوقی، با چالش های کمتری روبرو است و زمینه برای همگرایی در دیگر ساحات را برای سیاست گذار و قانون گذار ایرانی در تعامل کشورهای مشارکت کننده فراهم می آورد.

نتیجه گیری

حقوق بشر در طول سه دهه اخیر به گفتمانی غالب در ارزیابی شیوه حکمرانی و اقدامات دولت ها تبدیل شده است. این غلبه به سبب وجه مشروعیت بخش مباحث و سنجه های حقوق بشری به وجود آمده است. نظم حقوقی ایران به دلیل التفات قانون اساسی به مبانی حقوق بشر، در سالیان پس از انقلاب اسلامی مردم ایران اهتمامی به مسائل و دغدغه های حقوق بشری از خود نشان داد. علاوه بر این،

استمرار عضویت ایران در آن دسته از معاهدات حقوق بشری که در ایران در دوران پیش از انقلاب به عضویت آن‌ها درآمده بود، منجر شد تا تعهدات بین‌المللی حقوق بشری ایران ادامه پیدا کند. در کنار التزام داخلی نظم حقوقی ایران به حقوق بشر و تعهدات قراردادی بین‌المللی، تأسیس نهادهای میان دولتی حقوق بشری همانند شورای حقوق بشر، گونه جدیدی از تحمیل یا فشار سنج‌های حقوق بشری را بر نظام حکمرانی ایران به همراه آورد.

تمرکز ویژه نهادها و سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری بر قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و کنشگری‌های پارلمانی ایران، منجر شده است تا حقوق بشر در مدار توجهات بین‌المللی مجلس قرار گیرد. بخشی از این تمرکز به دلیل مغایرت ماهوی و محتوایی میان مفاد قوانین ایرانی و سنج‌های حقوق بین‌الملل بشر است و بخش دیگر ناشی رویکرد مغرضانه و تبعیض‌آمیز این نهادهای در مسائل حقوق بشری علیه ایران تلقی می‌گردد. مجلس شورای اسلامی کوشیده است در طول سالیان پس از انقلاب همواره با ایستادگی بر اصول و مبانی حقوقی و فقهی، تعارضات موجود میان سنج‌های یادشده و مصوبات خود را به حداقل برساند و از تولید تنش غیرضروری جلوگیری کند.

با توجه به استمرار چالش‌های کنونی در تعامل میان مجلس شورای اسلامی و حقوق بین‌الملل بشر به نظر می‌رسد مجلس باید ضمن ادامه‌دادن به مسیر رفع تعارضات، در مواردی که امکان رفع تعارض مبتنی بر ظرفیت‌های فقهی و اجتهاد مبتنی بر زمان و مکان وجود ندارد، موضع اصولی خود را با ملاحظات پیش‌رو ارائه دهد. نخست، اینکه این در بسیاری از موارد تبیین موضع اصولی توسط مجلس امکان بروز چالش و تنش را منتفی می‌سازد و عملکرد تبعیض‌آمیز سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های غربی نباید سیاست‌گذار و قانون‌گذار را از ظرفیت‌های در دسترس مجلس برای تبیین موضع اصولی ایران بازدارد. علاوه بر این در بسیاری از مواردی که امکان حل تعارض وجود ندارد، مجلس شورای اسلامی باید از ظرفیت دولت‌های همسو در مسائل حقوق بشری بهره‌برد و به‌تنهایی در فضای مقابله با ارزش‌های هژمونی حقوق بشر غربی قرار نگیرد.

مجالس قانون گذاری به دلیل برخورداری از ویژگی دوگانه حاکمیتی - مردمی در ذات خود، امکان تعاملات فرا سیاسی و فارغ از تنش را بیش از دیگر نهادهای حاکمیتی می یابند. مجلس شورای اسلامی ایران به دلیل تجربه طولانی در اتحادیه بین المجالس جهانی، آسیایی و اسلامی باید از ظرفیت این نهادهای فراملی بهره لازم را برده و از موضع انفعالی و پاسخ گویانه به موضع فعال و مطالبه گری قدم بردارد؛ موضعی که علاوه بر قانون گذاری در ساحات حقوق بشری، کنشگری نسبت به مسائل بین المللی، برگزاری نشست ها و همایش های بین المللی، اعطای جوایز خاص حقوق بشری، نیازمند تغییر شیوه حکمرانی پارلمانی و ایجاد اولویتی تقنینی - پارلمانی نسبت به مسائل حقوق بشری است.

منابع:

الف) منابع فارسی

۱. جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۵)، تکاپوی اندیشه‌ها، مجموعه از مصاحبه‌ها با علامه محمدتقی جعفری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲. رجائی، مهدی؛ ارسطا، محمدجواد، (۱۴۰۰)، فقه جامعه‌محور، بستر بازشناسی فتوای معیار در قانون‌گذاری، فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، ۲۶ (۲)، ص ۲۳-۴۶
۳. سلیمانی، حسین، (۱۴۰۰)، قوانین کیفری در پرتو موازین اسلامی: بازخوانی اصل چهارم قانون اساسی در پرتو قواعد حاکم، مصلحت، و حقوق بشر، دوفصلنامه بین‌المللی حقوق بشر، ۱۶ (۱)، ص ۵۳-۷۶
۴. شعبان، مریم، (۱۴۰۰)، تحلیل ساختار حقوق کودک در ایران: بررسی مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک بر مبنای پیمان نامه جهانی حقوق کودک، فصلنامه تمدن حقوقی، ۴ (۹)، ص ۱۳۹-۱۶۸
۵. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۳۹۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات
۶. طلابکی طرقي، اکبر؛ عطار، محمد صالح، (۱۳۹۶)، «الزامات و راهکارهای ایجاد نهاد ملی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران (در پرتو قانون اساسی، حقوق بشر اسلامی، اعلامیه پاریس و رویه کشورها)»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۶ (۱۷)، ص ۲۱-۴۴.
۷. عروسی موفق، اکبر، (۱۳۹۶)، مبانی کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱ (۱)، ص ۱۵۵-۱۷۲.
۸. علی‌اکبری مارانتو، محمدرضا، (۱۳۹۹)، بررسی عملکرد حقوقی شورای امنیت در جنگ تحمیلی: غلبه منافع قدرت‌های بزرگ بر حقوق بین‌الملل، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۶ (۱)، ص ۱۴۱-۱۶۱
۹. فضائلی، مصطفی؛ احسن‌نژاد، مسعود، (۱۳۹۸)، بررسی تطبیقی برخی از مفاد گزارش‌های گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر در خصوص وضعیت حقوق بشر

- در ایران با نظام حقوقی ایران، مطالعات حقوق تطبیقی ۱۰، ۱۰ (۲)، ص ۶۱۷-۶۳۸
۱۰. فضل الله، سید محمدحسین، (۱۴۱۹)، تفسیر من وحی القرآن، ج ۱۴، بیروت: دار الملاک للطباعة والنشر.
۱۱. فلسفی، هدایت الله، (۱۳۷۴)، تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین المللی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۱۶-۱۷، صص ۹۳-۱۳۵
۱۲. قاری سید فاطمی، سید محمد، (۱۴۰۰)، حقوق بشر معاصر، درآمدی بر مباحث نظری؛ مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع، جلد اول، نشر نگاه معاصر
۱۳. تسخیری، محمدعلی، (۱۴۳۳)، حول دستور الاسلامی الایرانی، المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیة
۱۴. مجیدی، محمدرضا؛ خادمی، غلامرضا، (۱۴۰۳)، ارزیابی رابطه بین قانون گذاری نمونه مجامع بین پارلمانی و همگرایی منطقه ای در کشورهای مستقل هم سود، مجلس و راهبرد، ۳۱ (۱۱۹)، ص ۲۰۳-۲۳۳
۱۵. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۶)، در مجموعه مقالات همایش بین المللی امام خمینی و قلمرو دین (کرامت انسان) به کوشش سید حسین یوسفی فخر و سید محمد علی ایازی، مصاحبه های علمی، مجموعه آثار ۱۳.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، ج ۱۲، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۷. ممتاز، جمشید، (۱۳۹۷)، تجاوز عراق به ایران و موضع گیری سازمان ملل متحد، انتشارات دانشگاه تهران
۱۸. مهرپور، حسین، (۱۳۸۶)، حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، انتشارات اطلاعات.
۱۹. میر موسوی، سید علی؛ حقیقت، سید صادق، (۱۳۹۲)، مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۲۰. نیرنجی، علی اکبر و دیگران، (۱۳۹۹)، بررسی دلایل حمایت ایالات متحده از گروهک منافقین پس از ۲۰۰۳، مهار جمهوری اسلامی ایران بر مبنای راهبرد آشوب سازنده، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۱۰ (۳۹)، ص ۷۰۳-۷۱۸
۲۱. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، (۱۳۸۹)، کتاب مجموعه مقالات همایش اجتهاد

در دوره معاصر، تهران: دانشگاه مذاهب اسلامی

(ب) منابع انگلیسی

22. Crawford, J., & Brownlie, I. (2019). *Brownlie's principles of public international law*. Oxford University Press.
23. Dixon, Martin & McCorquodale, Robert, (2003), Robert Mc, *Case and Materials on International Law*, fourth edition, USA, Oxford.
24. Fact-Find Report (2023), *Independent International Fact-Finding Mission on the Islamic Republic of Iran in human under resolution S-35/I of the United Nations Human Rights Council*, adopted on 24 November 2022.
25. Goldenziel, J. I., Blochberger, S. M., & Granholm, T. (2025). *Weapon of the Weak: International Law and State Power in the International Court of Justice*. Harvard International Law Journal.
26. Gordon, J. (2013). *The human costs of the Iran sanctions*. Foreign Policy, 10(08).
27. Hannum, H. (2021). *Guide to international human rights practice*. BRILL.
28. Human Rights Council (2019), *Report of the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights*, 4–15 November 2019
29. Human Rights Council (2025), *Report of the independent international fact-finding mission on the Islamic Republic of Iran*, 14 March 2025
30. Human Rights Watch, *Codifying Repression: An Assessment of Iran's New Penal Code*, 2012
31. *International Court of Justice*, Aerial Incident of 3 July 1988 (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Application insti-

tuting proceedings 17 May 1989

32. Kiani, M. M., Khanjankhani, K., Takbiri, A., & Takian, A. (2021). *Refugees and sustainable health development in Iran. Archives of Iranian medicine*, 24(1), 27-34.

33. Kokabisaghi, F. (2019). *Women's right to health in Iran: Domestic implementation of international human rights law*. The International Journal of Health Planning and Management, 34(2), 501-509.

34. Mechlem, K. (2009). *Treaty bodies and the interpretation of human rights*. Vand. J. Transnat'l l., 42, 905.

35. O'Connell, D. P. (2015). *The law of state succession* (Vol. 5). Cambridge University Press.

36. Roberts, C. N. (2015). *The contentious history of the international bill of human rights*. Cambridge University Press.

37. Saliu, H. (2021). *The specifics and complexity of EU public diplomacy*. Družboslovne razprave, 37(96-97), 189-207.

38. Savaresi, A. (2023). *UN Human Rights Bodies and the UN Special Rapporteur on Human Rights and Climate Change: All Hands on Deck*. Yearbook of International Disaster Law Online, 4(1), 396-409.

Bassiouni, M. C. (2011). *Crimes against humanity: historical evolution and contemporary application*. Cambridge University Press.

39. Simmons, Beth A, (2008), *International law*, First Published, USA & UK, Sage [Library of International Relations] , Vol.1.

40. Smith, R. K. (2022). *International human rights law*. Oxford University Press.

References

1. 'Orvati Mowaffaq, Akbar. (2017). Foundations of Human Dignity in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Scientific Quarterly of Islamic Revolution Studies, 1(1), 155–172. (In Persian)
2. Ali-Akbari Maranto, Mohammad-Reza. (2020). An Examination of the Legal Performance of the UN Security Council in the Imposed War: The Dominance of Great Powers' Interests over International Law. Scientific Quarterly of Sacred Defense Studies, 6(1), 141–161. (In Persian)
3. Bassiouni, M. C. (2011). Crimes Against Humanity: Historical Evolution and Contemporary Application. Cambridge University Press.
4. Crawford, J., & Brownlie, I. (2019). Brownlie's Principles of Public International Law. Oxford University Press.
5. Dixon, Martin, & McCorquodale, Robert. (2003). Cases and Materials on International Law (4th ed.). Oxford University Press, USA.
6. Fact-Find Report. (2023). Independent International Fact-Finding Mission on the Islamic Republic of Iran under Resolution S-35/1 of the United Nations Human Rights Council, adopted on 24 November 2022.
7. Fadlallah, Sayyid Mohammad-Hosseini. (1999). Tafsir Min Wahy al-Qur'an, Vol. 14. Beirut: Dar al-Malak for Printing and Publishing. (In Arabic)
8. Falsafi, Hedayatollah. (1995). The Codification and Promotion of Human Rights in the International Community. Legal Research Quarterly, Issues 16–17, 93–135. (In Persian)
9. Faza'eli, Mostafa, & Ahsannejad, Masoud. (2019). A Comparative Study of Some Provisions of the Reports of the UN Human Rights Council's Special Rapporteurs on the Human Rights Situation in Iran with Iran's Legal System. Comparative Law Studies, 10(2), 617–638. (In Persian)

10. Goldenziel, J. I., Blochberger, S. M., & Granholm, T. (2025). Weapon of the Weak: International Law and State Power in the International Court of Justice. *Harvard International Law Journal*.
11. Gordon, J. (2013). The Human Costs of the Iran Sanctions. *Foreign Policy*, 10(08).
12. Hannum, H. (2021). *Guide to International Human Rights Practice*. BRILL.
13. Hashemi Rafsanjani, Ali-Akbar. (2010). *Collected Papers of the Conference on Ijtihad in the Contemporary Era*. Tehran: University of Islamic Denominations. (In Persian)
14. Human Rights Council. (2019). Report of the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 4–15 November 2019.
15. Human Rights Council. (2025). Report of the Independent International Fact-Finding Mission on the Islamic Republic of Iran, 14 March 2025.
16. Human Rights Watch. (2012). *Codifying Repression: An Assessment of Iran's New Penal Code*.
17. International Court of Justice. (1989). Aerial Incident of 3 July 1988 (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Application Instituting Proceedings, 17 May 1989.
18. Jafari, Mohammad-Taqi. (1996). *The Struggle of Thoughts: A Collection of Interviews with Allameh Mohammad-Taqi Jafari*. Tehran: Office for the Publication of Islamic Culture. (In Persian)
19. Kiani, M. M., Khanjankhani, K., Takbiri, A., & Takian, A. (2021). Refugees and Sustainable Health Development in Iran. *Archives of Iranian Medicine*, 24(1), 27–34.
20. Kokabisaghi, F. (2019). Women's Right to Health in Iran: Domestic Im-

plementation of International Human Rights Law. The International Journal of Health Planning and Management, 34(2), 501–509.

21. Ma‘refat, Mohammad-Hadi. (2007). In the Collection of Papers of the International Conference on Imam Khomeini and the Scope of Religion (Human Dignity), edited by Seyyed Hossein Yousefi Fakhr and Seyyed Mohammad-Ali Ayazi. Scientific Interviews, Collected Works, Vol. 13. (In Persian)

22. Majidi, Mohammad-Reza, & Khademi, Gholam-Reza. (2024). Evaluating the Relationship between Model Legislation of Inter-Parliamentary Assemblies and Regional Convergence in Commonwealth of Independent States (CIS) Countries. Majles and Strategy Journal, 31(119), 203–233. (In Persian)

23. Makarem Shirazi, Naser. (1992). Tafsir Nemuneh, Vol. 12. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (In Persian)

24. Mechlem, K. (2009). Treaty Bodies and the Interpretation of Human Rights. Vanderbilt Journal of Transnational Law, 42, 905.

25. Mehrpour, Hossein. (2007). Human Rights in International Instruments and the Position of the Islamic Republic of Iran (2nd ed.). Tehran: Ettela‘at Publications. (In Persian)

26. Mir Mousavi, Seyyed Ali, & Haghighat, Seyyed Sadegh. (2013). Foundations of Human Rights from the Perspective of Islam and Other Schools of Thought. Tehran: Institute for Humanities and Islamic Studies. (In Persian)

27. Momtaz, Jamshid. (2018). Iraq’s Aggression against Iran and the United Nations’ Stance. Tehran University Press. (In Persian)

28. Nirangi, Ali-Akbar, et al. (2020). Analyzing the Reasons for U.S. Support of the Hypocrites (Monafeqin) Group after 2003: Containing the Islamic Republic of Iran Based on the Strategy of Constructive Chaos. Geography Quarterly (Regional Planning), 10(39), 703–718. (In Persian)

29. O'Connell, D. P. (2015). *The Law of State Succession*, Vol. 5. Cambridge University Press.
30. Qari Seyyed Fatemi, Seyyed Mohammad. (2021). *Contemporary Human Rights: An Introduction to Theoretical Discussions—Concepts, Foundations, Scope, and Sources*, Vol. 1. Tehran: Negahe Mo'aser Publications. (In Persian)
31. Rajaei, Mahdi, & Arasta, Mohammad-Javad. (2021). Society-Oriented Jurisprudence: A Context for Re-identifying the Standard Fatwa in Legislation. *Islamic Government: A Scientific–Research Quarterly Journal*, 26(2), 23–46. (In Persian)
32. Roberts, C. N. (2015). *The Contentious History of the International Bill of Human Rights*. Cambridge University Press.
33. Saliu, H. (2021). The Specifics and Complexity of EU Public Diplomacy. *Družboslovne Razprave*, 37(96–97), 189–207.
34. Savaresi, A. (2023). UN Human Rights Bodies and the UN Special Rapporteur on Human Rights and Climate Change: All Hands on Deck. *Yearbook of International Disaster Law Online*, 4(1), 396–409.
35. Sha'ban, Maryam. (2021). An Analysis of the Structure of Children's Rights in Iran: Examination of the National Committee on the Convention on the Rights of the Child Based on the UN Convention on the Rights of the Child. *Legal Civilization Quarterly*, 4(9), 139–168. (In Persian)
36. Simmons, Beth A. (2008). *International Law*, Vol. 1. Sage Publications, USA & UK.
37. Smith, R. K. (2022). *International Human Rights Law*. Oxford University Press.
38. Soleimani, Hossein. (2021). Criminal Laws in Light of Islamic Standards: A Reinterpretation of Article Four of the Constitution in View of Govern-

ing Rules, Expediency, and Human Rights. *International Journal of Human Rights*, 16(1), 53–76. (In Persian)

39. Tabataba'i, Sayyid Mohammad-Hosseini. (2014). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Vol. 18. Beirut: Al-A'lami Institute for Publications. (In Arabic)

40. Taskhiri, Mohammad-Ali. (2012/1433 AH). Concerning the Islamic–Iranian Order. *The World Forum for Proximity of Islamic Schools of Thought*. (In Arabic)

41. Tolabaki Taraghi, Akbar, & Attar, Mohammad-Saleh. (2017). Requirements and Strategies for Establishing a National Human Rights Institution in the Islamic Republic of Iran (In Light of the Constitution, Islamic Human Rights, the Paris Principles, and the Practices of Other Countries). *Public Law Knowledge Quarterly*, 6(17), 21–44. (In Persian)